



معترضان جهان؛ چهره سال مجله تایم

مردم سوژه گی!

مجله تایم وجابجاشدن سوژه های تاریخی

مجله هفتگی تایم* شخصیت سال خود را به معترضان جهان اختصاص داده است. اقدامی که بقول گزارشگری بی سی در ۸۴ سال عمر این نشریه بی سابقه بوده است. بطور معمول سوژه های سال از میان نخبگان سیاسی، اجتماعی و علمی و هنری و... برگزیده می شدند. مثلاً در عرصه سیاسی افرادی هم چون لینکلن و استالین و کندی و اوباما ویا در برهه ای هیتلر و خمینی و نظایر آن به عنوان کسانی که بیشترین تأثیر را نه الزاماً مثبت- در یکسال گذشته داشته اند برگزیده شده اند. با این همه امسال- ۲۰۱۱- در اقدامی بی سابقه توسط این نشریه، این انبوهه و بی شماران هستند که به عنوان چهره سال به مهمترین عامل تغییرات شگرف سال گذشته برگزیده شده است. بر اساس گزارش این نشریه، این معترضان در سال گذشته در سراسر جهان در خاورمیانه و جایی که تغییرناپذیر تلقی می شد، بپایان کشیدن دیکتاتورها در کشورهای عربی و اعتراضات مردم اسرائیل و به خیابان آمدن در اروپا و در یونان و لندن و... و تا جنبش وال استریت با میلیونها حامی که در پی بحران مالی و مخالفت مجلس نمایندگان با وضع مالیات بر ثروتمندان شروع شد، و در مکزیک و روسیه و نقاط بسیار دیگری، بزرگترین اعتراضات قرن را رقم زده اند. گزارش تایم با عبارت معنادار و در عین حال طنزگونه ای علیه ادعای "پایان تاریخ" به پایان می رسد: معترضان با اعتراض خود هم چنان تاریخ را خواهند ساخت و تا معترض هست تاریخ ادامه خواهد داشت!

بی گمان همیشه عامل اصلی دگرگونی های ژرف تاریخی و دستاوردهائی نظیر لغو بردگی، رهائی سروها و رعایا و دهقانان فقیر و زنجیر شده به مناسبات فئودالی و یا طلوع عصر دموکراسی و روشنگری و دست آوردهای مبارزه علیه بردگی و تبعیض جنسیتی، علیه تقسیم جهان به قطب شمال و جنوب و فقیر و عقب مانده (حاشیه و مرکز) و علیه بردگی مزدی در نظام سرمایه ویا علیه جنگ و تخریب محیط زیست و انرژی هسته ای و زرادخانه های اتمی، قیام و شورش و به میدان آمدن توده های معترض بوده است. اما آنها این نقش مترقیانه خود را از ورزانه و عموماً بطور غیر مستقیم و با وساطت میانجی گرانی چون ایدئولوژی و خدا و شاه و میهن و... ویا هم چون رهبران و سازمانها و احزاب پیش می برده اند (صرف نظر از مقاطعی که به دنبال رهبران و پیشوایان ویا بدام ایدئولوژی های واپسگرا افتاده اند و بطور کامل به زائده و ابزار اهداف طبقات واپس گرا و ارتجاعی تبدیل شده و در نقش ضدتاریخی ظاهر شده اند). اما نباید فراموش کرد که تحولات و اعتراضات جنبش های جدید با یک تفاوت عمده و یک ویژگی بزرگ یعنی نقش آفرینی مستقیم سوژه های خود رهان، فارغ از دخیل بستن به میانجی ها

همراه است که بدون تأمل بر روی آن قادر به فهم ورق خوردن تاریخ و خصوصیت اصلی جنبش های جدید نخواهیم شد. عصر بیداری بزرگ و عصر انقلاب فنی - اطلاعاتی - ارتباطی در فاز جهانی شدن موجب جابجائی سوژه ها شده است (همانگونه که زمانی مثلا راه آهن و یا خطوط ارتباطی چنین نقشی را ایفاء کرده اند). چنین تحولی موجب تغییرات شگرفی در ابعاد اعتراضات و عمق مطالبات و نوع سازمان یابی شده است. امروزه دیگر بیرون از سوژه ها و برفراز آنها نمی توان تحولات جهانی را رصد کرد. با به میدان آمدن این سوژه ها، عصر دخیل بستن توده های تاریخ ساز به میانجی گران و قهرمانان نجات بخش که حاصلی جز تبدیل شدن سوژه های واقعی و تاریخ ساز به ابژه های کنش پذیر نداشته، رو با قول نهاده است. ناگفته نماند که میانجی های تاریخی نظیر رهبران و احزاب و نمایندگانی که جایگزین اراده و خواست بی شماران سوژه های اصلی می شده اند، و عموماً هم انقلاب و مطالبات آنها را مصادره و مسخ می کرده اند بی نیاز از توده نیستند. اما جوامع طبقاتی و مبتنی بر نخبه گرایی نیازمند توده های یک شکل و یک نواختی است که هم حکومت پذیر باشند و هم خود قادر به خود حکومتی نباشند و لاجرم قدرت و اختیار خود را - در بهترین حالت به نحو صوری و از روی رضایت و داوطلبانه به میانجی گران و یا نمایندگان خود تفویض کنند و خویش در نقش کنش پذیران و سیاهی لشکر بی خاصیت و دنباله رو ایفاء نقش نمایند. همانطور که اشاره شد تنها باین شیوه است که توده ها حکومت پذیر می شوند و می توان بر آنها حکم راند. تفاوت بزرگ جنبش های توده ای امروز با گذشته آن است که این توده ها وقتی وارد صحنه می شوند، دیگر افرادی کسان و یکنواخت و بی هویت نیستند. بلکه هم چون سوژه های خود رهان و یکه، دریگانگی ناشی از اشتراکاتشان و بر غم تمایزاتشان وارد صحنه می شوند و بهمین دلیل حکومت پذیر نیستند و قادرند که بطور مستقیم سرنوشت خود را به دست گیرند. آنها علیه حکومت ها و آن نوع سامانه هائی که بایک دست کردن آنها و به نام آنها حکومت می کنند، می شورند. بی تردید هیچ چیز از پیش خلق شده ای که بخواهد ظهور کند وجود ندارد. تنها زمینه ها و واقعیت ها و گرایشهای پیشرو تاریخی و چهارچوب های امکانات تاریخی بروز و ظهور آنها هستند که در متن پراتیک و عمل اجتماعی میلیونها انسان، آفریننده مردم سوژه گی و غنای آن هستند. هیچ جامعه کهنه زایمان بی درد و پراز کشاکش و افت و خیز را تجربه نکرده است. مردم در حین رهائی و پراتیک تغییر جهان خویشتن را می آفرینند و به مطالبات و امیدها و آرزوهای خود شکل می دهند.

حتی سمبل های عصر مردم سوژگی نیز، همانطور که تصویرتایم بیانگر آن است با سوژه های قبلی متفاوت و بی نام و نشان تر و بی چهره تر است. آن جوان دستفروش تونسوی و یاجوان زندانی و شکنجه شده مصری و نظایر آنها سمبل های این جنبش جدید هستند. چنانکه در تجربه کشور خودمان در مورد ندا آقا سلطان شاهد بودیم. *۲*

-*

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2011/12/111215_141_time_cover_story_protesaters.shtml

*۲-

"اواسطوره و قهرمان نبود و مردم از میان خود، یکی از میلیونها خالق جنبش خود پوی خود، یکی هم چون خود را به عنوان نماد برگزیدند و بجای اسطوره ها نشاندهند. هرکس می تواند ندانند یکی از انبوهه ها و یکی از بشماران. در اینجا شکاف پر نشدنی بین ابژه و سوژه وجود ندارد. آری اسطوره خود بی شماران است و در بیداری و خلاقیت تک تک آنها ندا از بی شماران بود و نمادی برای این بشماران است. در اینجا یگانی بین نماد و انبوهه و اسطوره و اسطوره سازان و جنبش و سمبل های آن خصلت ناماست."